

"خانقاه صلح" میزبان ستون پنجم!؟



پیوسته به گذشته قسمت یکصد و چهارم :

در آغاز جشن **نوروز** ، **روز نو** و **روز سبز** آفرینش هستی را به شما دوستان گرامی و همه خواننده گان عزیز مبارکباد میگوئیم نوروز که از همان زمان جوانه زدن آفرینش در رگ رگی از کائنات می وزد از آنرو هست که نوروز یک قرار داد اجتماعی و یا یک جشن تحمیلی سیاسی نیست بلکه جشن جهان است و روزشادمانی زمین ، آسمان و آفتاب نامیده میشود .

<https://www.youtube.com/watch?v=cHeH4bAPGkw>

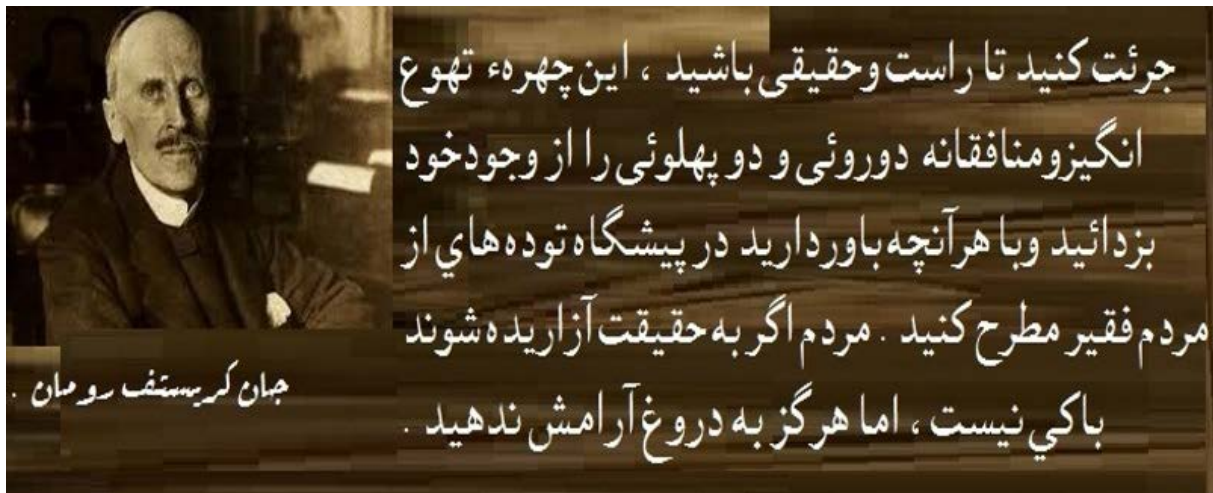
هنگامی که از این جشن هستی و کائنات تجلیل بعمل می آوریم گوئی خود را در همه ء نوروزهای که همه وقت و در نزد همه انسان ها عزیز بوده است می بینیم . نوروز این پیر روزگار آلود که در همه عصر ها و با همه نسل ها و همه اجداد ما از اکنون تا نخستین جوانه های آفرینش زیسته است و با همه مان بوده است ،



رسالت بزرگ خویش را با قدرت و عشق و صمیمیت انجام داده است و آن زدودن پژمرده گی و اندوه از سیمای ملت نومید و مجروح ما است که در طول و عرض تاریخ بر سر چهارراه حوادث خونین تاریخ نشسته و همواره تیغ جلادان و غارتگران و سازنده گان کله منارها که همچون **فرخنده ها** فرزندان اصیل این مرزوبوم را به جرم **آزاد اندیشی** به آتش میکشند و بند بند اش را از هم میگسلند ..

<https://www.youtube.com/watch?v=MjgiTUAXB4>

وما در این میعادگاهی که از نخستین لحظات آفرینش محسوب میشود ، یکجا با همه زنان و مردانی که خون آنان در رگهای مان میدوند و روح آنان در دلهای مان موج میزنند شرکت میکنیم و بدینگونه **" بودن خویش "** را به عنوان یک **" ملت "** در تند باد ریشه برانداز زمانه ها تثبیت میکنیم و در این جشن شکوهمند آفرینش که همه نسل های تاریخ ما در آن حضور دارند با آنان پیمان وفا و تعهد می بندیم و **" امانت عشق "** از آنان به ودیعه میگیریم که هرگز نه میریم و " دوام راستین " خویش را بنام ملتی که در این صحرای عظیم بشری ریشه در عمق تمدنی و فرهنگی سرشار از قداست و عظمت دارد و بر پایه " اصالت " معنوی خویش ایستاده است **« بر صحیفه ء عالم ثبت »** کنیم .



"خانقاهِ صلح " مهماندار مهمانان آشنا !

گمان نه میکنم تمامی دوستان و عزیزانی که با این حقیر حشر و نشری داشته اند و هنوز هم افکارم را از لابلای نوشته هایم نه تنها می خوانند بلکه از حروف و کلیمات آنها آنتن های تفکر و اندیشه این حقیر را نظاره میکنند نیاز به یاد آوری داشته باشد تا ثابت سازیم که سلول های بدنم چگونه در برابر نفرتها و کینه ها واکنش نشان میدهند ؟! اما امروز احساسی که فرد ، فردی از انسانهای روی زمین بویژه ساکنان جغرافیای تاریخی موسوم به افغانستان دارند این است که این قلم را هیچگاه کسی یا جریانی مجبور به مبارزه در برابر ظلم و جنایت نکرده است و نه هم در طول عمرم آنچه را که بر ما و دیگر هموطنان شرافتمندم رفته است و در راه محو آن بدترین نوعی از آزار و شکنجه را به دل و جان تحمل کرده ایم به معامله گذشته باشیم و یا هم از جلادان و خونریزان چنان کینه ها و نفرتها را به دل راه داده بدهیم که ما را به جایی نشانه گرفتن ریشه ها و عوامل جنایت به پیشه ها و عاملان آن متوجه سازند ! اما کاملاً طبیعی است که این سوال در ذهن ما و اکثریتی از انسان های شرافتمندی که در جغرافیای بنام افغانستان زنده گی میکنیم خطور میکند و از خود می پرسیم چگونه است که حرکتی با این گسترده گی توده ای که روزگاری و در مقطع خاصی از تاریخ از آن برخوردار بود حتی به شعار های که خود تکرار میکردند و میکنند عمل نه میکردند و تا هنوز هم نتوانسته در دنیای معاصر و در راه آزادی و استقلال ملتها همگام با نیازهای فطری انسان خود را هم نوا نه میسازند ؟ زیرا می بینیم که امروز دیگر مردم **« عوام کالانعام »** نیستند هم آگاهی اجتماعی پیدا کرده اند و هم غالباً از تکنولوژی معاصر در راه روشنگری استفاده می برند ، وقتی شما بحیث یک جریان تاریخی در کشور عملیات

انتحاری را با ادبیات و گفتمان بنیاد گرایانه مذهبی مناسب ترین شیوه مبارزه مسلحانه می دانستید و هنوز هم شاید یکی از راه های نجات مستضعفین از چنگال مستکبرین می شمارید ، چنانچه اسناد و مدارک منتشره از سوی وسائل ارتباط جمعی متعلق با حزب اسلامی افغانستان نشان میدهند نه تنها در باره انتقا و انقضای آن اندکترین رهنمودی وجود ندارد بلکه در بسیاری زمینه ها بر تشویق و ترغیب مؤمنان بویژه نسل جوان کشور برای انجام **عملیات انتحاری** که در ادبیات بنیاد گرای مذهبی نام **" عملیات استشهادی "** را یافته تأکید بعمل آمده است . گفتیم برداشت و تعبیری که عزیزان ما امروز و درجهان کنونی از اسلام به عنوان یک مذهب مبارزاتی داشته اند و خون ریختن انسان را با توجیبات دینی جواز میدانند شاید در مقطعی از تاریخ مانند هر جریان دیگر فکری و سیاسی اعم از مذهبی و یا هم سکولار به این نتیجه برسند که اصولاً درگفتمان دینی و مکانیزم خلقت بشر و از همان آغاز و از روزگاری که خداوند اراده میکند تا در زمین خلیفه تعیین کند دیالوگ خداوند بافرشته گان را که برمبنای ذشت پنداشتن خونریزی و فساد در زمین استواراست قتل و فساد وجود ندارد ، واکنش برخی از عزیزانی که بصورت طبیعی و توجیه شده به شغل آدم کشی رو می آورد آنرا واکنش طبیعی مگر با شیوه غیر عقلانی و فاقد نقشه روشن راه و بصورت متحجرانه در برابر آنچه که بریگاد ها و پادوهای نظام سرمایه داری و شرکت های نفت و گاز جهانی با شیوه های نوین غارتگری در کشورهای شرقی منجمله افغانستان انجام می دهند دانستیم .

<https://www.youtube.com/watch?v=GDilACwi4eo>

اما پس از زدوبند های فروان شبکه های جاسوسی در منطقه و جهان ناگهان خبرانجام مذاکرات هیأتی از حزب اسلامی برهبری جناب گلبدین حکمتیار با رژیم مافیائی کابل را شنیدیم وقتی چهره مبارکه همایون خان جریرمشاور رئیس غنی در امور ستون پنجم !! دلال معروف و معامله گری که روزگاری از اعزام نیرو به جنگ آذربایجان به مثابه بزرگترین قاچاقبر انسان تغذیه می شد و سپس پروژه ای استخباراتی موسوم به صلح قبرس را که وابسته گی آن جرثومه خبیثه با سپاه پاسداران رژیم ولایت فقیه ایران و سازمان اطلاعات ارتش پاکستان از هیچ کسی پوشیده نیست ، در ترکیب هیأت اعزامی اعلام شد با خود گفتیم ، عجب ! " آنها " چه حقه های زرنگی هستند ، ودارای چه حس بلندی از شامه های اند که بوی مبارک دالرها ی مفتکی را از دور استشمام می فرمایند



۱ : وقتی حضرت سید احمد گیلانی مرشد و جانشین طریقه قادریه در افغانستان در پرتو استراتژیی شبه تصوفی نزدیک ساختن فاصله مسجد با ارگ رئیس حضرت محمد اشرف خان غنی که تازه به طریقه جلیلیه قادریه رو آورده است پس از چندین نشست و مشورت به ریاست شورای صلح منصوب شد طبیعی است که مقر آن شوری خانقاه نامیده شود